اعتبارسنجی نظریه اعجاز روان‌شناختی قرآن

با تأکید بر آراء امین خویلی*

سید محمود طیب‌حسینی

سیدابراهیم مرتضوی

چکیده

«اعجاز قرآن» از مباحث مورد اعتنایی اساسین علوم قرآن بوده و یکی از نظریاتی که در این باره مطرح گردیده‌اند، نظریه «اعجاز روان شناختی» است. جستار پیش رو که از نوع تحقیقات کتابخانه‌ای است، اعجاز روان شناختی قرآن را با روشی توصیفی – تحلیلی از منظر «امین خویلی» محقق معاصر مصری بررسی کرده است. نتیجه آنکه از نگاه خویلی، اعجاز روان شناختی، یکی از وجوه اعجاز ادبی-بیانی قرآن محسوب می‌شود و مارد آن، این است که قرآن با هدف پرورش انسان و اصلاح جامعه در دعوت خوشی روان‌پرداز یپه‌بانی نام آدمی را مدور داشته و شناخت عمیق قرآن از این روایت گزاره‌های علمی روز از روان انسان نیز آن را تأیید می‌کند نشان از الهی بودن قرآن و اعجاز آن دارد. با این حال، نظریه خویلی با چند اشکال و ابهام مواجه است: نخست آنکه مقدماتی که

* تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۱
  ۱. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (tayebh@rihu.ac.ir)
  ۲. دکتری علوم قرآن و حدیث (نوبستند مستند) (si.mortazavi@yahoo.com)

www.SID.ir
برای نظیره خویش بپیمایی کرده است، در برخی ابعاد و اجراء با یکدیگر
سازگاری ندارند: دوم آنکه مبانی دیدگاه وی با برخی از ضروریات دین منافات
دارد: سوم آنکه وی برخی از مفاهیم کلیدی نظریه خویش را تیبین نکرده است؛ و
چهارم آنکه شواهد نظروی با از نبود کمی و کمی نتایم است.

وژگان کلیدی: قرآن، اعجاز روان‌شناسی، اعجاز ادبی، امین خوی.

مقدمه

اعجاز قرآن از مسائلی است که گونه‌های متعددی برای آن بیان گردیده و از ابعاد
مختلف بررسی شده است. نگاه اساسی علوم قرآنی به مسئله اعجاز در چهار روش‌کرد
صرفه، «اعجاز علمی»، «اعجاز تشريعي» و «اعجاز بیانی - ادبی» خلاصه می‌شود.
اعجاز علمی خود، به سه شاخه («اعجاز تاریخی»، «اعجاز غیری» و «اعجاز در حوزه
مسائل جدید علمی» تقسمی‌نده می‌شود (معمولاً ۱۳۸۸ و ۵۷). یکی از گونه‌های اعجاز قرآن، «اعجاز روان‌شناسی» است که امین خوی،
بنیان گذار مكتب ادبی در تفسیر قرآن، از آن با عنوان «الاعجاز النفیس» نام برده و در
مقاله خود با عنوان «البلاغة و علم النفس» و نیز تا حدودی در مقالات دیگر خود به
تیبین و تشریح آن پرداخته است.

برای این قسم اعجاز، تحلیل‌های مختلفی از سوی محققان ارائه شده و به عنوان
یکی از موجه اعجاز علمی قرآن عنوان گردیده است. از این رو، تیبین و تشریح آن از
منظر امین خویی که یکی از ادبای بزرگ جهان عرب است و میانه خویی با تفسیر
علمی ندارد نیازمند واکاوی است.

این جستار با روشنی توصیفی - تحلیلی، با تعریف، بیان مبانی، پیش‌نیازها و نمونه‌های
آن، عهده‌دار این امر است.

1. شیوه روان‌شناسی با شیوه روان‌شناسی از ابعادی متداول است: «شیوه روان‌شناسی، کار ادبی است و
در این شیوه حیث خلاف شیوه روان‌شناسی که کار روان‌کاوی است، ترکیب عناصر و نگاهی یکپارچه‌گر
مدل‌های آموزشی روایی در کشف عوامل روان در شیوه روان‌شناسی پیش از روان‌شناسی است و
شیوه روان‌شناسی گستره‌های از روان‌شناسی است» (قطب، ۱۳۹۰: ۲۸۳ـ۲۸۲۸).
پیشینه پژوهش

در رابطه با اعجاز روان‌شناختی قرآن، دو مقاله مستقل فارسی نگاشته شده است که عبارت‌اند از: «اعجاز روان‌شناختی قرآن در گستره اجتماعی» (رضایی اصفهانی و احمدی، ۱۳۸۲) و «بررسی اعجاز روان‌شناختی قرآن» (مریوان حسینی و حسینی، ۱۳۹۲). مقاله نخست، از وجود گزاره‌های علم روان‌شناختی قرآن در طرح آنها سخن گفت و مقاله دوم نیز به بحث بهداشت و روان پرداخته است و هیچ یک از آنجا ارتباطی با بحث حاضر ندارد.

در رابطه با امین خولی و آثار او نیز مقالاتی جنی به رشته تحریر در آمده است که برخی از آنها مانند: «امین خولی و بنیادگذاری مکتب ادبی در تفسیر» (کریمی، ۱۳۸۴)، «تاملاتی در گرايش تفسیر ادبی معاسیر» (هرم، ۱۳۸۷)، «تفسیر بیانی ـ ادبی قرآن، چستی، روش» (همو)، «پژوهشی مبنا و روش تفسیر ادبی معاسیر از منظر امین خولی» (قومسپور، پورزاده و ایمانی، ۱۳۹۵)، «جعبه‌شناسی تفسیر قرآن در دوره معاسیر» (رنردو، ۱۳۸۳) و «بررسی نسبت مکتب ادبی امین الخولی با اندیشه‌های معین» (بیروزفر و همکاران، ۱۳۹۵) به توصیف، تحلیل و بعضی نقد آرای خولی درباره مکتب ادبی وی اختصاص دارند.

در زبان عربی نیز نگاشته‌های متعددی با عنوان‌های «الاعجاز النفسي» و «الاعجاز الالهی» نوشته شده‌اند که بسیاری از آنها مانند: «الاعجاز النفسي للقرآن الكريم از فاتح حسینی، الإعجاز النفسي للقرآن الكريم في علم النفس والتحليل النفسي من محمد رمضان محمد و... بهداشت و روان و پیش‌بینی قرآن در طرح گزاره‌های علم روان‌شناختی را مطرح کرده و برخی از آنها نیز به بیان برخی نکات روان‌شناسانه در تعابیر قرآن پرداخته‌اند. اما تا جایی که مورد جستجو قرار گرفته، مقاله‌ای که اعجاز روان‌شناختی قرآن را از منظر امین خولی بررسی کرده باشد، نوشته نشده است.
1. اعجاز روان‌شناختی

اعجاز روان‌شناختی، یکی از وجوه‌ی است که برای اعجاز قرآن ذکر کرده‌اند. خولی بعد از نقل دیدگاه دیگران درباره وجوه مختلف اعجاز قرآن از جمله: قول به صرفه، اعجاز اخبار غیبی، اعجاز عدم اختلاف و... آنها را غیر قابل پذیرش دانسته است (خولی، ۱۳۹۱: ۱۹۹-۲۰۰). و اعجاز روان‌شناختی قرآن را مطرح کرده است.

اعجاز روان‌شناختی -چنان که گفتنی می‌باشد- از نظر اعتماد در بین گزاره‌های روان‌شناختی، استنباط نظام روان‌شناختی از قرآن و بررسی نقش قرآن در ایجاد تحول روانی بر مخاطبان (میوهان حسینی و حسینی، ۱۳۹۲: ۱) اما اعجاز روان‌شناختی از منظر امین خولی با هیچ یک از سه روش کرد مزبور همکاری ندارد. خولی استخراج نظریات روان‌شناسی از قرآن را نمی‌پذیرد و در این باره می‌نویسد:

"نکته معینی بوده، چنان که سبقت اظهار وقیم به همین الان ست که استخراج قضیه علم النحو و نظریات من قرآن" (خولی، ۱۳۹۱: ۲۹۳): معاونی دور از ذهنی وجود دارد که بندار به‌همراه از مردان این روزگار به آن سپیت گرفته است... آن استخراج قضیه و نظریات روان‌شناسی از قرآن است.

رویکرد سوم یک اصطلاح بهتر آن، "اعجاز تأثیری" است. در این دیگری از اعجاز است و اعجاز روان‌شناختی از منظر خولی را روان نمی‌کند: زیرا وی بعد از بیان تأثیر قرآن بر روح و روان آدمی و احساس لذتی ناشی از شیرینی تلاوت و زیبایی موسیقایی قرآن و آهنگ پرخاشه از حروق و نظم کلمات و هماهنگی جمله‌های آن می‌نویسد:

"تأثیری نوک‌داشته که در این می‌باشد، به این معنی که من نمی‌توانم در مورد اعجوبه‌ی النحو در صیله‌ی الاعجاز بی荣耀 علم النحو قن داکی یا به این معنی که آن یکی از پیوندهای بی‌بنای اعجوبه و پیوندهای منطقی از این که به هیچ جای نیست، گرچه این معنا در خود می‌تواند درست باشد.

خولی در تبیین نظریه اعجاز روان‌شناختی قرآن، آن را متقنی به دو مسئله "اعجاز ادیبی" و "هدايتگری" دانسته، می‌نویسد:

"این هند یکی دائمی است که فن‌یادی معمولاً از میان ویژه ویژه‌ی زمانی است که

www.SID.ir
بیان امری به‌خاطر اینکه این‌جایی است که هر دو ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد اقتباس، یا مناسبه و تحلیل، یا بیان افقی، و در نهایت ابعاد ااقت
۱. Richard Moulton.
۲. Robert Alter.
۳. Frank Kemode.
مزبور را فراهم می‌سازد. علاوه بر این، روانشناسی یکی از علوم ادبی محسوب می‌شود (ارک: همان، ۱۳۶۲/۱۳۶۳). که در تحلیل ابعاد بلاغی و تفسیر ادبی قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد (اسعدی، ۱۳۹۲: ۱۳۸۴). و این اصول موضوع، تنوری مزبور را شکل می‌دهد.

۲.۲ ارتباط میان روان‌شناسی و بلاغت

زبان عالی‌ترین و در عین حال، بی‌جهت‌ترین جلوه روان بر شرایط است. «انگه چه فردی سخن می‌گوید یا شاعری شعری می‌ساید، تمام قوای ذهنی، حالات عاطفی و تمايلات هشیار و ناهشیار او، لفظاً و معنا در کلامش دخالت دارند» (جاوایش، ۱۳۸۱: ۱۲). از آنجا که روان‌شناسی و ادبیات هر دو با تجزیه زبان و گفتار سروکار دارند، از این رو روابطشان با یکدیگر قهری می‌نماید (غیاثی، ۱۳۸۲: ۱۳۸۴). بلاغت نیز که روای ادبیات است (خولی، ۱۳۶۱: ۱۹۱ و ۱۳۳)، عوامل عمیق با روان‌شناسی دارد: زیرا در بلاغت، سخن از تأثیر کلام در نفس است و این تأثیر، چه منطقی باشد چه عاطفی، تأثیری روایی است. از سوی دیگر، «در علوم بلاغی از ابزارهای چون تشبیه، استعاره و مجاف برای تمیق تأثیرات کلام و ایجاد لذت و تقویت جنبه‌های زیبایی سخن استفاده می‌شود. این ابزارها عموماً شنونده را به فعاليت‌های متعدد ذهنی و می‌دارند که بروسی شیوه‌ای فعالیت‌های ذهنی جز مدل‌گیری از روان‌شناسی میسر نیست.» علاوه بر این، بهره‌گیری از ابزارهای بیانی مزبور، نیمی که فعالیت ذهنی صرف نیست: بلکه گاهی حاصل کیفیت پیچیده روحی و عاطفی آفریننده با اثر دادی است» (جاوایش: ۱۳۸۱: ۱۳۸۴.).

امین خولی نیز سعی می‌نماید که صاحب نظران معتقد است که پیوند عمیقی میان بلاغت و روان‌شناسی وجود دارد. وی بعد از پیان رابطه میان هنر و روان آدیمی می‌نویسد:

۱. در این باره می‌توان به آثاری چون: به سوی یخ‌های آب‌گریز، ژان بلن، تول‌نویل (Jean Bellmen - Noel) بلاغت از دیدگاه روان‌شناسی از حسین جاوایش، پژوهش‌شناسی متن ادبی اثر مهندسین غیاثی و ... اشاره کرد. تحلیل روان‌شناسی متن در اثر ادبی پیشین ساخته دارد که می‌توان به تحلیل‌های جاحظ و دیگران در این باره اشاره کرد (زیرین کوب، ۱۳۷۳: ۱۳۸۴، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵).
و در تعبیری دیگر چنین می‌آورد:

"آن الفونت‌ها بر اساس دقت‌ها و ترسیم‌های زیبا آن است (قطب، 1286: 42 و 1287: 42) که اینکه بلاغت را به دو دسته (بلاغت عظم و اهل فلسفه) و

بلاغت عرب و بلیغان تقسیم‌بندی می‌کند و بلاغت اخیر را به عنوان بلاغتی آمیخته با حیات عاطفی و حرفه‌ای می‌شود. در مقابل بلاغت حضور عظم و اهل فلسفه قرار می‌دهد (خویی، 1286: 42)، اما قائل است که هر دو قسم آن با روان‌شناسی و تعلیق دانست (همان: 1286: 42) و بر این ایستاده است که ایده‌های اعجاز روان‌شناسی خود را بنیان می‌نهد: "بنابراین با توجه به تفکیک علوم نفس سه‌گانه در بحث مسائل قدیمی، هر مسئله اعجاز القرآن (همان: 199)."

فهيم الاعجاز القرآن (همان: 201). نه محل محدثنی و نه محدثیان، سیاه‌پوشی از تزاحم بی‌پایتی و درک اعجاز روان‌شناسی علوم نفس می‌کند که اینکه "تفکیک علوم نفس سه‌گانه در بحث مسائل قدیمی، هر مسئله اعجاز القرآن (همان: 199)."

فهيم الاعجاز القرآن (همان: 201). نه محل محدثنی و نه محدثیان، سیاه‌پوشی از تزاحم بی‌پایتی و درک اعجاز روان‌شناسی علوم نفس می‌کند که اینکه "تفکیک علوم نفس سه‌گانه در بحث مسائل قدیمی، هر مسئله اعجاز القرآن (همان: 199)."

فهيم الاعجاز القرآن (همان: 201). نه محل محدثنی و نه محدثیان، سیاه‌پوشی از تزاحم بی‌پایتی و درک اعجاز روان‌شناسی علوم نفس می‌کند که اینکه "تفکیک علوم نفس سه‌گانه در بحث مسائل قدیمی، هر مسئله اعجاز القرآن (همان: 199)."

فهيم الاعجاز القرآن (همان: 201).
«هذا الذي مهمدا السبيل إلى فهم الإعجاز العلمي، يحول إلى تناول القرآن بتفننٍ نفسيٍّ؛ يقوم على الإحاطة المستفادة بما خرج إلى العلم من أسرار حركات النفس البشرية» (همان: 212): اينِ جزئی است كه تصرّب روايآتْ آن همْوْر كردِمْ؛ از فهمِ إعجاز نهريِّا استفاده از معاني روان‌شناختی كه [یین خوده] به تفسیر روان‌شناختی روانِ نازِی دارِد و برای تفسیر روان‌شناختی بدیه تا حد ممکن به کشف‌یاتی که علم درباره اسارت حركات نفس بشر دست یپدا کرده است، تسلط یافته.

وی استفاده یافته‌ای علمی برای شناخت روان انسان را مرتبط به علوم‌هایی می‌داند که مورد اشاره قرار است و می‌نویسد:

«فی المبادین این تناول‌ها دعاوی القرآن الدینی و وجلدِ الاعتقادی وشببة اللویدادات والقلوب واستلائه تقدیم مان اطمئن‌انه وتوارت عن الأسلاف والأدیب وتشییعها بما دعا این ایمان بنفستِ میرمِ هذا تقدیم ویهمدِ نصیره» (همان): بهره‌گیری از این کشفیات مرتبط به علوم‌هایی است که قرآن دعاوت‌های دینی، جدول اعتقادی‌اش، پرویز‌قلبه، ابطال باورهای کاذب و نت‌نویی از گذشته‌گان و تحیجه ایمانی نفس را مطروح کرده است.

۲۸۳. داشته ذوق ادبی و هنری

اوبرابر نقل سخن سکاکی، خود را هم عقیده‌با او معرفی می‌کند و می‌نویسد:

«آرزوی این الیکطی، لام رأی آن آرایه و لام اریاق آن الاعجاز الفنی و التفسیر الفنی ما بعده من اللفظ» (همان): این دیدگاه را برگردیدم و هنوز نیز به آن باید دام و درباره اعجاز و تفسیر روان‌شناختی معتقدم که کوچک‌ترین
4. شواهد اعجاز روان‌شناسی

نمونه‌ای که خولی در جهت توضیح اعجاز روان‌شناسی ذکر و آن را تحلیل می‌کند، تکرارهای موجود در قرآن است. وی با طرح بحث ملالانگیز بودن مسئله تکرار، مباحث تکرار در قرآن را از مباحث مورد اعتنای قدما دانسته و به نقل قول برخی از اندیشه‌نام و ذکر تحلیل‌های آنان درباره تکرارهای قرآن می‌پردازد؛ اما به روش آنان در تحلیل این مسئله خرده می‌گیرد و می‌نویسد:

«جهت بهتر اندیشه‌نام و به راه روان‌شناسی یک همان راه فهم اعجاز هنری قرآن است, بررسی کرده‌اند» (همان: ۲۰۵).

خولی همچ یکی از آراء پیشین را نمی‌پذیرد و بعد از نقش اجمالی و ناتمام خواندن استدلال‌های آنها می‌نویسد:

این‌ها دیدگاه‌هایی درباره تحلیل تکرار است. احساس من این است که دیدگاه‌های مزبور پیوسته جایی را پای می‌کند. تا اعجاز به اعتبار روانی، انسانی و جهانی، علت آن بیان شود، طوری که شواهدی از احوالات روان بشر و تماسláش آن را تأیید کند. شاید آنچه روان‌شناسان می‌گویند، از همین باب باشد: آنان می‌گویند که تکرار از قوی‌ترین راه‌های اقعاف و از بهترین ابزار برای تبیین نظر و عقیده در نفس انسان است. تکرار. این کار به آسانی و ملایمی انجام می‌دهد، بدون اینکه با جدال یا مناقشه در نظر ببره و مخالفت آشکار با استدلال مخالفان، آنها را تهیه کند. این شواهد و نمونه‌های عملی، روان‌شناسان ما را پی‌نیاز می‌کنند از اینکه باید بیان علیّ تکرارهای قرآن، وجود مختلف را اختراع کنیم، و این مسئله را دستاویز جد و اختلاف قرار دهیم» (همان: ۲۰۳).

بنت‌الشاطی نیز یک‌شاند استاد و همسر خود در باب تکرارهای موجود در قرآن، آن‌ها را با تحلیلی روان‌شناسی توضیح می‌دهد و می‌نویسد:

1. تحلیل روان‌شناسی در مرزهای احتمال می‌سازد و در بهره‌گیری از گزاره‌های علم روان‌شناسی. با

احتیاط قدم برای دارد.

www.SID.ir
5. تحلیل و نقد نظریه امین خویی

آنچه در پی می‌آید، تحلیل و نقد نظریه اعجاز روان‌شناختی خویی است.

5.1. اعجاز روان‌شناختی در بوته تحلیل

طبق برخی از دیگرها، اعجاز روان‌شناختی از وجوه اعجاز علمی قرآن محصول می‌شود و مراکزی قرآن در مطرح کردن مسائل بهداشتی، روایت و نیز بیان نکاتی است که از دستاوردهای علم روان‌شناختی امروز درباره روح و روان انسان و ویژگی‌های آن و نیز جرایح عمل به قوانین قرآنی و مانند آن محصول می‌شود (رک: کحلی، بنا: 2؛ رضایی اصفهانی و احمدی فر: 1390؛ مرویان حسینی و حسینی، 1392)، برخی دیگر از محققان، روضکرد دیگری در پیش گرفته، آن را به معنی تأثیر قرآن بر جان سامان و تالیان دانسته‌اند (عبدالرحمن، 2005: 31)،اما دقت در سخنان امین خویی و توجه به مبانی وی برای نظریه مزبور و نیز تامل در تعریف و از اعجاز و تفسیر علمی نشان می‌دهد که وی این اعجاز را یکی از وجوه اعجاز ادبی یا بین‌المللی قرآن (خویی: 1961: 214) و نیز جدایی از اعجاز تأثیری می‌داند (همان: 201).

تفاوت دیدگاه خویی با سایر دیدگاه‌ها این است که وی طرح گزارش‌ها با نظریات روان‌شناختی توسط قرآن را نمی‌پذیرد و نقطه اصلی افتراق نظریه او با تفسیرهای مشابه از اعجاز روان‌شناختی این است که از دیدگاه انسان و نفس انسان و خصوصاً آن، حلقه رابط میان قرآن و اعجاز روان‌شناختی است. از نگاه وی، قرآن نکات روان‌شناخته درباره
نفس انسان را مطرح نکرده، بلکه شناخت عمیق خداوند از نفس آدمی و زوايا
پنهانش سبب شده تا در قرآن به گونه‌ای سخن بگوید که همخوان با نفس و خصائص
آن باشد و بهتر بتواند به هدف خود یعنی پرورش معنوی انسان و اصلاح جامعه دست
یابد. ۱

خویش تنها کاربرد یافته‌های علم روان‌شناختی در مقوله اعجاز روان‌شناختی را در این
می‌داند که بايد محبتانه از این یافته‌ها استفاده کنیم تا روح و روان انسان را بهتر
بشناسیم و شناخت بیشتر و بهتر آن کمک می‌کند تا میزان رعایت اصل‌های از سوی
قرآن را روش‌تر بهفهمم و تبدیل نماهم (همان: ۲۰۰۳ و ۲۰۵۲). به نظر می‌آید آنچه خویش مطرح کرده است، با خود روحانی علم و عرفای برگز
معادر، اشترک در نتیجه دارد. آیت‌الله بهجت درباره وجو اعجاز قرآن چنین می‌گوید:
(وی اعجاز را این طرح تشخیص می‌دهم که جذابیت قرآن است. قرآن جذاب است
[در نظر و در معنا]... به یه این در کلیات دیگران هم هست، اما مراتب خیلی
مختلف است) (بهجت قوامی، سخن‌رانی‌های تصویری).

نتیجه‌ای که از دیدگاه خویش نیز به دست می‌آید این است که قرآن چون روان‌مدار
سخن گفته و بیاناتی بر شناخت عمیق از نفس انسان متقی است، آدمی را مجذوب
خود می‌سازد؛ مسئله‌ای که برخی از خاورشناسان مانند گولیت ۲ نیز اشاراتی به آن
داشتند (اعظم‌شاهرودی: ۱۳۸۶: ۱۲۰).

۱۵.۱۶ تناوی در مقدمات تعریفی اعجاز نفسی

خویش در سخنان خود، از یکسو قرآن و مقررات علمی را متناوب عنوان کرده،
تلاش برای رابطه قرآن با علم را مردود دانسته و آن را آب در بهاون کویبند عنوان کرده

۱. درخ نکات روان‌شناسانه بیان مستقیم گزاره‌های روان‌شناسی، اما روان‌مدار سخن گفتگوی علمی نسبت به یکی گزاره‌ای و در عین حال رعایت نکات روان‌شناسانه در سخن گفتگوی. در واقع تفاوت میان
آن بی‌مستقیم بودن و غیر مستقیم بودن آنها بازمی‌گردد. در گونه‌روشی غیر مستقیم و نرم، متقیم نکه
خود از ویژگی‌های روانی مخاطب اطلاع کامل دارد. گزاره‌ای را مطرح نمی‌کند، بلکه با توجه به
شناختی که از روان مخاطب دارد، به گونه‌ای سخن می‌گوید که بر جان مخاطب بشنوید و او را
مجدو، خود سازد.

۲. Gholit.

می‌شویم؛ زیرا -چنان که پیشتر گفته شد- تفسیر روان‌شناسی یکی از پیش‌بازه‌ای فهم
اعجاز روان‌شناسی است و -چنان که گفته شد- این گونه تفسیری ممتنی بر استفاده
گزاره‌ای مسلم روان‌شناسی است، در حالتی که در نظریه اعجاز سخن از استفاده
نیست.

۲-۵. تنافی مبنا نظریه با ضروریات دین
در رابطه با مبانی نخست اعجاز روان‌شناسی، قرار دادن قرآن به عنوان یک کتاب
ادبی، از ابعادی با الهیت آن همخوانی ندارد؛ زیرا یک متن ادبی دربردارنده عناصری
چون عنصر عاطفه و خیال است. «خیال، حاصل نوعی تجربه (تجربه حسی) است که
اغلب با زمینه‌ای عاطفه همراه است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۷). منظور از عنصر عاطفه
نیز دو چیز است: یکی به تأثیر زبانی و واکنش درونی ادبی از یک حادثه ارتباط دارد
که مسبوط به خلق اثر ادبی توسط اوفست (فتوحی رودهمانی، ۱۳۸۹: ۶۷) و دیگری به ایجاد
واکنش عاطفی در مخاطب مرتبط است.

عنصر خیال با توجه به نژول لفظ و معنا قرآن از جانب خداوند و متغیف بودن
تجربه (حسی) درباره ساخت قدردانی شد. درباره قرآن متصرور نیست. عنصر نخست
عاطفه نیز با عدم تحت تأثیر قرار گرفتگ مخاطب آن که یکی از مسلمات علم کلام است
(علامه‌ی حبیب، ۱۳۶۵: ۳; طبیعتی، ۱۳۷۴: ۸۶۳-۸۷۰) سازگاری ندارد.

مفهوم گرفتگ این مبنای در آرای شاگردان خودی به وضوح شخصی است و برخی
از آنها جوان حامد ابوزید (شاگرد غیر مستقیم) و خلف الله به نتایج غیر مشهوری
رسیده‌اند که یکی از آنها، دیگری خلف الله که بر واقعی نیویکن برخی از قصص قرآن
و استورهای بودن آن باستان (خلف الله، ۱۹۹۹: ۱۵۳).

در رابطه با مبانی دوم، پرونده میان بلاغت و روان‌شناسی، به تحلیل روان‌شناسی متن
-که یکی از شیوه‌های نقد ادبی است- منتهی می‌شود. در تحلیل روان‌شناسی اثر ادبی:
۱- فرایند آفرینش اثر ادبی و عناصر احساسی و غیر احساسی درخور در این فرایند،
۲- نقد ادبی به معنی نشان دادن معایب اثر نیست. بلکه از یک سو به کار گرفتن قواعد ادبی در توضیح اثر
ادبی است و از دیگر سو دیگر، کشف آینه‌های نازخه عناصری است که در آن اثر مسترد است (شمسیا.

www.SID.ir
از این مباحث، بهره‌گیری از دسته‌ای، اول و دوم در تحلیل روان‌شناختی قرن‌آیند باجانش مواجه است؛ زیرا لفظ و معنا قرن‌آیند از جنب علل خداوند فر و فرض‌های شده و علل خداوند نیز از عواضی نفاسی و سایر متعلقات مربوط به موجودات مادي و پرسته است، مگر آنکه بگویم از آن‌جا که خداوند قرن‌آیند را به زبان قوم ناول کرده (ابراهیم‌ی) و مخاطب آن بشری است که عوارض نفاسی دارد، پس کاربرد تحلیل‌های مزبور می‌تواند کارا باشد. این مسئله به ویژه درباره آیانی که دارای بی‌نروی ناپذیر و ناظر به حوادث واقعی نازل شده‌اند و با استفاده از هم، ملیم‌تر است.

در نقد روان‌شناختی ادبی، چگونگی شکل‌گیری اثر ادبی بررسی می‌شود و اثر مستقیم شرایط در تکونان مورد مدفوع قرار می‌گیرد (نجیم، ۱۳۴۷: ۵۲۴). اما بررسی چگونگی شکل‌گیری قرن‌آیند که از طریق روح‌الامین بر قلب یا پیامبر (رک: شعرای/۱۳۷۱) نقص است و مبادای الهی دارد. ظنکنیزدیر نیست؛ زیرا اساساً مستقیم و حییتی رمزآمیز می‌ماند یک مخلوق با خلق خویش است، امری تحلیل‌ناپذیر است و تأثیر مستقیم شرایط در تکون آیات نیز چنان که گفته شد در آیات دارای بی‌نروی خاص ملیمول است، اما آیات دارای بی‌نروی عام، در این تحلیل چندان نمی‌گنجد.

بهره‌گیری از دسته‌ای، اثر ادبی در تحلیل روان‌شناختی متن قرن‌آیند مستقیماً با جالش منا مواجه نیست. اما این مستقیم نیز به (اعجاز تأثیرز) قرن‌آیند مرتبط است و طبق قصیده خلیل، به (اعجاز روان‌شناختی) آن ارتباطی ندارد. اعجاز تأثیرز به (اعجاز خاص و دکترین) یا گنمه می‌شود که قرن‌آیند بر قلموب تالیان و سامان خود اعم از مؤمنان و قاوانی بر جای می‌نهد (خلیل، ۱۳۴۰: ۲۲) و این غیر از اعجاز مورد اعتقاد خواند است.

توجه به نکات فوق، استناد به (بیوپزشکی مبنا براغ و روان‌شناختی) برای ارائه ابتدای "اعجاز روان‌شناختی" از سوی امین خلیل، تفسیر متفاوت وی از مقوله وحی را به ذهن خطور می‌دهد. گرچه در آثار او، تعریف مستقل و صحیح از این مقوله وجود ندارد.

www.SID.ir
اما یکانه که گفته شد، تطبیق کامل قرآن به یک اثر ادبی، می‌تواند بیانگر این تفسیر متفاوت از وی باشد؛ یکانه که این انگاره در آثار برخی از شاگردان مستقیم و غیر مستقیم وی مانند خلف الله و ابوزید، به نتیجه‌گیری‌های مشهور منجر شده است.

با این حال، آنچه خواهی از پیوند میان بلاغت و روان‌شناسی برای اعجاز روان‌شناختی در نظر دارد، این است که باعث بیانات قرآن را با کمک شیوه روان‌شناختی تحلیل نمود و ارتباط چگونگی و کیفیت بیان گزاره‌های قرآنی با شنوای نفس آدمی را بررسی و تبیین کرد.

۳-۵ عدم توضیح مفاهیم کلیدی نظریه در نظرنگ خویی، برخی از مفاهیم کلیدی وجود دارند که بدون توضیح رها گشته‌اند و تعريفی از آنها ارائه نشده است. یکی از آنها مُدرکی به نام ‘ذوق’ است که توصیف کلیدی در فهم این گونه از اعجاز دارد. او اعجاز را هنری می‌یابند بر ذوق ادبی عنوان می‌کند (خولی، ۱۹۶۴: ۲۱۴)، اما هیچ توضیحی درباره آن نمی‌دهد.

درباره ماهیت ذوق، که اکتساب‌ی است با فطروه، جواب‌های بسیار متفاوتی داده شده است (زین کروبی، ۱۹۳۲: ۳۰)، اما آنچه از کلام دانشمندان برزگ در این باره مستفاد می‌گردد، چند نکته را درخوانده است: نخست آنکه ذوق با عقل متفاوت است، زیرا عقل در تشخیص خوب و بد به محرکات و تناقض توجه دارد اما حکم ذوق ارجاعی، بلاواسطه و از مقوله، کننچه غریزی باطنی و روحانی به شمار می‌آید (همایون، ۱۹۶۷: ۱۶۷)؛ دوم آنکه ذوق به نفس مستعدی که همه از جنب خداوند است، نیاز دارد تا از طریق تهذیب، تربیت و با ممارست در کلام بلغا، برخی ادبیات و علی الخصوص به وسیله تنزیه نفس از آنچه موجب فساد اخلاق و آداب است، نضع گرفته و به پختگی والاتری برسد (همایون: ۳۷).

۵-۴ استقرار نامتام شواهد و نقش از بعد تحلیل کیفی شواهد مورد استناد خویی در نظرنگ اعجاز روان‌شناختی از دو بعد کمی و کیفی قابل نقد است. نتیجه‌که از بعد کمی به آن وارد است این است که وی تها یک شاهد برای اعجاز روان‌شناختی ذکر کرده و به تعلیل آن از بعد علم روان‌شناسی پرداخته است.
(خویی، ۱۳۴۲، ص ۲۰۵) و این مسئله عمل‌النظیری او را ناتمام باقی گذاشته است. اگر تفسیر دیگری از اعجاز روان‌شناسی داشته باشیم، می‌توانیم شواهد متعددی برای آن ذکر کنیم، مانند قصص قرآن و تأثیر آن در رفع بیماری‌های روانی مانند افسردگی، اضطراب و... که با عنوان «قصده معنایی» از آن یاد می‌شود و به عنوان یک روش درمانی در جهان شناخته شده است (رک: اریکسون، ۱۳۷۳). البته با توجه به بار معنایی و از اعجاز، نمی‌توان نام آن را اعجاز روان‌شناسی گذاشت؛ زیرا هر قصه‌ای می‌تواند در این جهت عمل کند. گرچه میزان تأثیرگذاری‌ها در یک مرتبه نیست.

از بعده کشفی نیزی با استفاده از این روان‌شناسی، همه تکرارهای موجود در قرآن را عامل تبیین در نفس عنوان می‌کند (همان). اما مرتبط ساختن همه تکرارهای موجود در قرآن به موضوع تبیین یک اصل در نفس، همچنین نفس در حقیقت مشابه باشد؛ زیرا برخی از تکرارهای قرآن موضوعی نیست که با مسئله تبیین نفس ارتباطی داشته باشد، مانند آیه‌ای «دنیا آن چه خلخل به‌نام گنبدت» (بقره ۱/۳۴ و ۱/۴۱). بنابراین نفس گفته که یکی از حکمت‌های تکرار در برخی آیات مکرر با مشابهت لفظی، مسئله تبیین نفس است؛ گرچه می‌توان دیدگاه خویی را ناظر به مواردی دانست که میزان تکرار در آنها بسیار است.

از سوی دیگر، خویی تناها به اصل مسئله تکرار اشاره می‌کند و بدون اینکه مصادیق مرتبط با آن را ذکر نماید و بعده اعجاز روان‌شناسی را حاکی می‌کند در صورتی که می‌توانست به ذکر مصادیق بپردازد و نظری خوشی را به شکل ملهموس تبیین نماید. چنان که در برخی روایات، تحلیل هایی در این زمینه آمده است:

سب نژاد سیروس کافرون این بود که جمعیتی از قریش حضرت پیغمبر اکرم رسیدند و گفتند: اي محمد! با ما موافقت کن تا ما نیز با تو موافقت کنیم؛ یک سال خداوند ما را عبادت کن تا ما یک سال خداوی تو را عبادت کنیم. اگر دین ما بهتر باشد، تو از آن یکصب نخواهی بود و چنانچه دین تو بهتر باشد، ما از آن خیر یکصب نخواهیم بود... جنبش تازه شد و این سود نا آوری و تکرار آن برای آن است که جواب آنها را مانند خود ایشان بدهد...» (بروجری، ۱۳۵۰، ص ۱۶۵).
نتیجه‌گیری
نظریه اعجاز روان‌شناسی قرآن، از جمله نگردهای امین خوئلی، ادیب فقید مصری، است که بر نفس انسان، ویژگی‌های آن و شناخت این ویژگی‌ها به عنوان حلقة رابطه میان قرآن و اعجاز تأکید و پذیرفته دارد. بر اساس این نگرده، شناخت قرآن از زوایای نفس آدمی و هم‌خوانی‌سازی بیانات خود با ویژگی‌های نفس او، که با هدف پرورش معنوی انسان و اصلاح جامعه صورت می‌گیرد، غیر بیشتر بودند. آن را نشنال می‌دهد. زیرا یافته‌های روان‌شناسی از روح و روان انسان، میزان رعایت اصل مرزور را از سوی قرآن نمایانتر می‌سازد و این شناخت عمیق از نفس انسان، از توافقات پیامبر امیل خارج بوده و همین مسئله نشان از الهی بودن قرآن و اعجاز آن دارد. طرح این نظریه از سوی امین خوئلی که در این نگاه جزء یکی از وجوه اعجاز ادبی یکی محسوب می‌شود بر دو مبانی «قرآن به مثابه کتابی ادبی» و «ارتباط میان بیانات و روان‌شناسی» پی ریزی شده است. اما این نبیان‌نهی با ابهاماتی مواجه است؛ زیرا تشبیه کامل قرآن به یک کتاب ادبی، نتایجی به دنبال دارد که با وحیانش آن سازگاری ندارد و از سوی دیگر، در پوندن میان بیانات و روان‌شناسی، تحلیل روان‌شناسی قرآن به عنوان یک متن ادبی محض با باورها کلامی مشهور نامزگار است؛ زیرا در نقد روان‌شناسی ادبی متن، مؤلفه‌هایی وجود دارد که نه تها معنا‌پذیری با مقیله و قوی ندارد بلکه با آن مغایرت دارد. با همه تلاش‌هایی که خوئلی برای تبين نظره خود کرده است، اما این نظریه تامام مانده است؛ زیرا وی برای تبين نظره اعجاز روان‌شناسی خود، نتها یک نمونه وی‌سیگنال اکثرارهای موجود در قرآن را ذکر می‌کند و با شیوه روان‌شناسی، تحلیل مختصری از آن ارائه می‌دهد و مصداقی نیز برای آن ذکر نمی‌کند. با این حال، رز پای نظریه وی در آثار برخی از شاغرداشان مانند بنتلی‌الشاطی‌ده و می‌شود.
کتابشناسی

1. اره‌بچه، میلیون، قصه‌درمانی ترجمه مهندی، جراحی، جوزه و دانشگاه، 1375 ش.
2. اسماعیل، محمد، مهندی اسلامی، جراحی، جوزه و دانشگاه، 1372 ش.
3. عظیم‌شاهرقی، رضی‌الله، تأثیر قرآنی در مهندی، جراحی، جوزه و دانشگاه، 1378 ش.
4. نیک‌الله، عباس‌خانی، ترجمه حسین سلیمانی، تهران، نشرت انتشارات علمی و فرهنگی 1376 ش.
5. بهجت فیضی، محمدی، سخنرانی، مکتب تشریح و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی بهبود به
7. صادقی، حسین، هنر نگاری درون‌کاری در قرآن کریم، ثبت، ترجمه و تولید خیلی عبدالکریم، لندن- 1358 ش.
8. حمیدی، محمد، ادبیات و توهیم در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1358 ش.
9. خلیفه‌المسلمین، محمد، مجموعه حکایات، آموزهدار به آداب ادبی، ترجمه مهندی، تشریح، نشریه، 1383 ش.
10. نورعلی‌زاده، محمد، و مصطفی احمدی، فرمان کریمی، تأثیر قرآنی در سمت اجتماع، نشریه فرهنگ و علم، دوره پنجم، شماره 8، بهار و تابستان 1390 ش.
11. روح‌الله، فرهاد بن عبدالرحمن، ادعاه‌های تفسیری در قرآن، شمیران، تابستان 1387 ق.
12. زینب بیک، عبدالحسین، تقدیم، دیب، دراصول و روش‌ها و مباحث تقدیمی در تفسیر، تدوین، تنشر، تهران، امکان‌پذیر، 1373 ش.
13. شفیعی‌کیانی، محمد، مجموعه دعای شرکای، تهران، نگاه، 1375 ش.
14. سیدمیسا، سپرین، تقدیم، تهران، فردوس، 1381 ش.
15. سیدمحمدرضا، مصطفی، شیوه‌های تفسیر قرآنی، ترجمه موسی دانش و حبیب روح‌نیا، مشهد، بیان، پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، 1387 ش.
16. طبیب‌البیانی، سیدمحمدرضا، اطاعتی در قرآنی تفسیر قرآنی، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1374 ش.
17. طبیب‌البیانی، سیدمحمدرضا، اطاعتی در قرآنی تفسیر قرآنی، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1374 ش.
18. همی، تأثیر قرآنی در گرافی، تفسیر قرآنی، تشریح، فرهنگ و شماره 99، تابستان 1387 ش.
زمستان ۱۳۸۸ ش.

۲۴. همو، «نانیندیش در بلاغت»، ترجمه آن به پوسته، شماره ۱۰۴-۱۰۵، مرداد و آبان ۱۳۸۶ ش.
۲۵. طبیعی حسینی، سیدمحمد، علی خراسانی، محمد آکبری کارمتدی، و علی مدیری (اسلامی)، تفسیرشناسی مبنا، مباحث، پژوهش‌ها، روزنامه‌ها و کتاب‌ها، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ش.۱۳۹۴.
۲۶. عبدالرحیم عبید الله، «عاجزالنپایی فی القرآن الكريم»، با اشرف محمد خزری، دکتر، دانشگاه جامعه الفردی، کلیه الکترونیک، ۲۰۰۵ م.

۲۷. علامه حکیم، ابومنصور جمال‌الدین حسن بن يوسف بن مظاهر اسدی، الباب الحادی عشر، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی، ش ۱۳۸۴.
۲۸. غیاثی، محمدتقی، تقدیم، شناسنامه مثنی ادبی، تهران، نگاه، ش ۱۳۸۲.
۲۹. فتوحی، رودهمجی، محمد، بلافاصله تصویر تمدن، شماره ش ۱۳۸۹.
۳۰. قاسمی‌نژاد، محسن، اعظم پورازاده، و محمد ایمانی، «پژوهشی ادبی و روش تفسیر ادبی معاصر از منظر امین خوکی»، شماره آنالیزهای قرآنی، دوره چهاردهم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش.
۳۱. قصاب، ویلی ابراهیم، منابع تفسیر الدعای الحديث؛ روایت اسلامی، دمشق، دار الفکر، ۹۳۰ ق.
۳۲. قطب، سیدمحمد، اصول و شیوهای تفسیر، ترجمه محمد باهر، تهران، خانه کتاب، ۱۳۹۰ ش.
۳۴. کرمی‌نیا، مرتضی، «امین خوکی و پیان‌گذاری مکتب ادبی در تفسیر»، ترجمه پرهام و عرفان، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۷ ش.
۳۵. مرادی، سمانه، و غلامی مهدی، «تفسیرهای دو کتاب مهم از تفسیرهای مختلف»، شماره ۱۳۹۶، فروردین ۱۳۹۰ ش.
۳۶. مریوان حسینی، سیدمحمد، و ابوذر حسینی، «بررسی اعجاز روان‌شناختی قرآن»، ترجمه قرآن و علم، دوره هفتم، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش.
۳۷. مطمنی، عبدالرحیم ابراهیم محمد، و پژوهش‌های بلاغی پیام قرآنی، ترجمه سیدحسین سیدی، تهران، ماهنامه ادبیات، شماره ۱۳۸۸.
۳۸. تعمیر، محمد پوریاس، منابع تفسیر الدعایین، تاریخ تفسیر و تلمیذی، مراجعه‌ای احسان عباسی، بروت، دار صادر ۲۰۰۷ م.

موجز المقالات

دراسة حول مفهوم الانفعالات في آيات القرآن الكريم وعلاقته بالنمو

جهيل علم الهدى (أستاذة مشتركة بجامعة الشهيد بهشتي)

فاطمة هدايت (طالبة المستوى الثاني في حوزة قانونية علمية بلهشهر)

عائشه قاسم زادة (دكتورة في الفقه ومبادئ القانون الإسلامي بجامعة مازندران)

الهدف من هذه المقالة معرفة مفهوم الانفعال وعلاقته بالنمو، وتقديم نموذج

مفرداتي لمسار العاطفة وفق آيات القرآن الكريم وتسفير الميزان ومبادئ الحكم العامة.

منهج هذا البحث هو تحليل المحتوى. أظهرت النتائج أن قلب الإنسان هو مكان

للعاطفة. وقسمة القلب يمكن أن تكون مؤثرة في عدم تقلي المشاعر وفهم معاني الحق.

كذلك فإن بعض المشاعر ترتبط بمقام الإدرار، وبعضها الآخر بمقام التعبير والعامل.

بعض أنواع الانفعالات هي نفسها بين البالغين وغيرهم، بينما بعض الانفعالات خاصة

بمجموعة معينة من الناس. بموجب الآيات والتفاسير فإن شدة الانفعال بحسب نوع

الانفعال في بعض الحالات، هي علامة على النضج. كما أن العواطف هي أحد عوامل

الحفاظ على النفس. وفي التعليم الإسلامي يرتبط الحفاظ على الذات بالحياة الدنيوية

والأخروية. يبدو أنه في مجال التعبير عن الانفعالات والتحكم بها، بالإضافة إلى الحالات

www.SID.ir
دراسة تحليلية مقارنة للقيادة
وشروطها في تفسيرين «المنير» و«من وحي القرآن»

- ناصر موفق (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة الرى للعلوم الإسلامية).
- محمد ميرزاچی (أستاذ مساعد بجامعة الرى للعلوم الإسلامية).
- حسن خرقانی (أستاذ مساعد بجامعة الرى للعلوم الإسلامية).

القيادة مسؤولية هدف المجتمع، تضع الخطط وتقرر برامج الدين وترسي المعتقدات
الخاصة. إنها أصل ضروري لرفق المجتمع، وإذا كان المجتمع مجتمعًا إسلاميًا،
وبنما يعمله وفقًا للقرآن الكريم وشريعة رسول الله ﷺ كان لا بد أن تتمتع القيادة
بشروط وخصوصية تختلف عن سائر القيادة الأخرى؛ لوجود تبني الأوامر الصادرة
عنها على كل مكلف. وكل واحدة من الفرق والمذاهب الإسلامية قدمت تعريفًا خاصًا
بشروط مختلفة عن بعضها الآخر لملأ شرفة القيادة المجتمع رغم اعتمادها بشكل خاص
على الوحي. وقد كان هذا الموضوع مثمنًا للجغرافيا من البحث والمناظرة والمماطلة بعد
عصر الرسالة. وقد شكلت آيات القرآن الكريم اعتبارًا فصل الخطاب المصدر الأول
لنظرة المسلمين لموضوع الإمامة والقيادة ومنطقهم الأساسي في تفسير ذلك. تتبج هذه
المقالة منهجًا توصيفيًا تطبيقًا لرصد شروط القيادة الأساسية عند منسرين بارزين في
العالم الشيعي والبشتور: العالم محمد حسن فضل الله، وهوبه الزهقالي، وكذلكهما
السياسي والفقهي متفاوتة. وشروط القيادة متفاوتة على رؤية كل مفسر. ونتيجة هذه
الدراسة التوصيفية بين المفسرين، فآخهما يشير إلى واقع الصريحة لا إلى صريحة الواقع.
الكلمات الأساسية: القائد، الإمامة، التفسير التوصيفي، التفسير المنير، من وحي القرآن.

www.SID.ir
نظرة قرآنية لمفهوم "الأمن الاقتصادي" ورسم نظام معرفة الأضرار وتوفيره

سيّد أبو ذرّ حسين (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بالجامعة الدراسية للعلوم الإسلامية)
جواد إيراني (أستاذ مساعد في قسم علوم القرآن والحديث بالجامعة الدراسية للعلوم الإسلامية)
مرتضى مسعودي (أستاذ مساعد في قسم الاقتصاد بالجامعة الدراسية للعلوم الإسلامية)

الأمن الاقتصادي من القضايا الهامة والاهتمامات اليومية لأفراد المجتمع. ولا يخفى على أحد دوره الفاعل في المجتمع. ولهذا السبب قام أفراد المجتمع، عبر دراسة استخدام كلمتي "الأمن الاقتصادي"، بتقويض العلاقة بين ارتباطاته ونتائج البحث في القرآن.

ويعتبر الدليل على تدبير الحكم للفقه، لأن الفقه الذي يحدد نظام المفهوم الاقتصادي العام، ليست له إلا فئة دقيقة بقدر ما تتعلق النسبيّة اعتقاداً على التدبير الحكم للمعيشة المتوازنة والهدافة والمقاومة. إضافة إلى ذلك، فإن الفقه الذي يحدد نظام المفهوم الاجتماعي، مع إيلاء اهتمام خاص للعوامل والسياسيات في الأقسام الثلاثة. المعتقدات والثقافات والسلوكيات الوقائة لمنع الضرر.

الكلمات الأساسية: القرآن الكريم، الاقتصاد، الأمان، الأمن الاقتصادي، الاقتصاد الإسلامي.

هيكل ونتائج الاستعارة المفهومية للجنة في القرآن الكريم

سيّد أبو القاسم حسيني (زوفا)
عضو الهيئة التنويرية بجامعة الأديان والمذاهب

أحد المواضيع التي كانت دائماً في قلب المناقشات البلاغية لباحث القرآن الاستعارة وكيفية تأثيرها على لغة القرآن. مع ظهور العلوم المعرفية، وإدخال نظريّة الاستعارة المفاهيميّة من قبل جورج لا كوف، فقد تطورت هذه الدراسات وتم تقديم طرق لفهم

www.SID.ir
التوصيف بشكل أفضل في ضوء هذه النظرية. الهدف من هذه الدراسة التي تم إجراؤها بمنهج وصفي - تحليلي ومع التحليل النوعي، دراسة أداة الاستعارات المفاهيمية في القرآن ونتائجها في بناء مفهوم لمخططي هذا الكتاب السماوي. لهذا السبب تم اختيار مفهوم الجنة كدراسة حالة ثم تم دراسة استعاراتها المفاهيمية في نطاق الآيات المتعلقة بالجنة وفي النهاية تم تقديم هيكل لها. كما تم تقديم أداة على هذا النوع من الاستعارة في روايات الألماة المعصومة في القرآن. مع التأمل في الهيكل المذكور يتم تحديد ما هي الحالات التي يمكن تصورها للجنة وكيف تتجدد في تجارب اليومية للحياة. الكلمات الأساسية: الاستعارة المفاهيمية - الجنة - القرآن - جورج لاكوفر، التاريخ.

نقد وتحليل الآراء في آية "التركين ُطبقًا عن طبقي" وفهمها على أساس نظرية تعدد المعاني

- لبدة علبخان (طالبة دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة ميد)
- أحمد زارع زردي (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة ميد)
- محمد حصين بروموند (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة يزد)
- أمير جودوى (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة يزد)

تعمّر الآية التاسعة عشر من سورة الأسيفية التي قدمت المفسرون في تفسيرها العديد من الآراء، وسموها أحيانًا بالمجمول، بأن لها معاني عديدة. المقصود من تعدد المعاني في الآية ليس بمعنى الغموض في المعنى الذي يحدث في كلام المتحدث دون قصد، بل تدل على قدرة الله وحكمته في اختيار الكلمات والتركيب التي تعبّر في الوقت نفسه عن عدة معان كما أنّ مقصودها هو جميع المعاني أيضًا. تقوم هذه المقالة التي كُتبت بمنهج نقد تحليلي بشرح آراء المفسرين لأول مرة، وبعد دراسة موجزة للآراء تقوم بالتفصيل للدراسة فرضية تعدد المعاني في الآية. السياقات والأمور التي تؤثر على حدوث هذه المسألة في الآية القيد البحث هي: تعدد المعاني في تشكيل وكلمات الآية. تعدد القراءات، التركيب النحوئي للجملة والمنسوب اللغوي للسورة أو سياق الكلام. وجوه المعاني التي يمكن حصرها للآية هي: 1- أتباع السلف ووافق السنن الإلهيّة بين مخاطب القرآن، 2- تحوّل الأجيال، 3- دخول صحراء الحشر، 4- الدخول بين الأمم السابقة في
لمحة:
5- صعود الإنسان إلى السماء، 6- مراج الغيب محمدًا، بالنظر إلى عدم وجود تعارض بين المعاني المذكورة فيما بينها، مع مجمل النص وعلوم الدين والمعنى المنسجم للمسلمون.
يمكن قبولهما جميعًا على أنها معان متعددة للآية وهي المقصود المحتمل لل تعالى.

الكلمات الأساسية: تفسير القرآن، سورة الانشقاق، "الركون طبقًا عين طبق"، تعمد المعاني.

مقدمة لبعض أهم طرق البحث القرآني للمستشرقين

مع التأكيد على الولايات المتحدة الأمريكية

محمد حسن علوئي
محمد جواد إسکندری
محمد حسن زمانی

تعد دراسة الأساليب التي يستخدمها باحثو القرآن غير المسلمين أو من يسعون بمستشرق القرآن، من أحدث المواضيع التي تهم الدراسات القرآنية. تمت المحاولة في هذا البحث اكتشاف وشرح وتحليل بعض أهم طرق البحث القرآني للمستشرقين بطريقة موجزة. إن أساليب البحث القرآن للمستشرقين ضمن تأثرهم بالنص وأهمية النقد النصي، منهج النقد الأديني، ومما أساليب الفرعية للفكر النصي، منهج النقد التاريخي، ومنهج النقد العلمي، منهج النقد الأديني، ومنهج النقد المقارن الذي يتناوله هذا البحث. وكانت النتيجة أن هذه الأساليب غالبًا ما كان لها نفس نظرة العهد للقرآن الكريم، دون الاهتمام بالاختلافات الجوهرية وسياقات القرآن مع نصوص العهد المحرز، وقد اعتبروا القرآن بمثابة نص بشرى، وفرضوا عليه طرقًا متوافقة مع النظرية المادية للعالم والخاصة بالنصوص البشرية.

الكلمات الأساسية: القرآن، منهج النقد التاريخي، منهج علم الظواهر، منهج المقارنة، طرق البحث القرآن للمستشرقين.

دراسة مقارنة ل"إسماع وسماع الموتى" في تفسير الفريقين

سيد ضياء الدين عليا نسب (أستاذ مشارك في قسم القرآن والحديث بجامعة حضرة مصوومة بقم)
تم في هذا البحث دراسة الآيات القرآنية التي تدل على "عدم إسماع الأموات" من وجهة نظر المفسرين الشيعة وأهل السنة لتحديد وجهة النظر الصحيحة في هذا السند منذ بداية الإسلام حتى الآن. وجرت محاولة لتوضيح منذ متي دخلت الآراء المنحرفة إلى عقائد المسلمين. وقد خلصت هذه الدراسة باستخدام منهج المكتبة ودراسة الآيات القرآنية التي استدلت بها منكري قدرة الموتى على السماح والتفسيرات الشيعية والسيّئة، إلى أن كملتى "الموت" و"السمع" لها معان مختلفة. وفي الآيات المذكورة كان عنى "الموت" موت القلب والقوة العقلية، وكلمة "السمع" ليس بمعنى السمع الحسيّ بل بمعنى الفهم والإدراك. وهذه الآيات تشير إلى عدم فهم وإدراك الآيات لمن لم يسُم قلوبهم. وكانت نتيجة البحث أنَّ حتى القرن السابع الميلادي لم يزعم أي مفسر عدم إسماع الموتى. بعد ذلك تسرّبت هذه الفكرة إلى المواضيع الإسلامية خاصة بعد ترويج أفكار ابن تيمية وانتشارها. فهي ليست عقيدة إسلامية أصيلة. وعلى فرض وجود هذه الدلالة في الآية فإن صيغة "لا تسمع" لا تدل على عدم إسماح الموتى، بل إنها مستدلة على عدم قدرة منادي الموتى على إسماحهم، وليس هناك ملاحظة بين عدم القدرة على إسماح الموتى أو سماحهم.

الكلمات الأساسية: الوعيّة، الموتى، إسماع الأموات، إسماح الأموات، ابن تيمية.

تحليل مقترح إشادة "البناء" و"المسجد" على أصحاب الكهف من منظور الفريقين (وًعلاقة ذلك بموضوع بناء قصور الصالحين ووضوح الزارة)

زهرة أخوان مقدم (أستاذة مشاركة بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)

مجرد زيدت جودي (دكتوراه في علوم القرآن والحديث)

في العصر الحديث تجري الأبحاث المقارنة بين المذاهب بشكل رئيسي في المجال الشيعي بهدف دراسة آراء الفريقين وتنقيحها وتقييمها. في هذا السياق يتناول هذا البحث دراسة الآية الحادية والعشرين من سورة الكهف التي اختفت حول آراء مفسّري الفريقين، وكذلك الروايات التفسيريّة لأهل البيت والصحابة والتابعين. وبهذه
الطريقة تم عرض أقوال المفسرين الصحابية والتابعين من جهة، وروایات أهل البيت من جهة ثانية، ثم مع تطبيقات آراء المفسرين الشيعة والسبئة تم تقسيم آرائهم. من خلال هذه الدراسة المقارنة تبين أن اقتراح بناء مسجد لأصحاب الكفوف لم يكن من قبل المشركين والزناة. بل من قبل الموحدين. من الأدلة التي استخدمت لتأكيد هذه النظرية يمكن الإشارة إلى سياق الآية والم搜救 الرئيسي للسورة وسياقاتها والآيات الأخرى التي تشمل على "البناء"، وكذلك وقوع القرآن على هذا الاقتراح. من جهة أخرى تمت الإجابة على الشهادات التي أوردها أهل السنة على هذه النظرية.

الكلمات الأساسية: سورة الكفوف، المسجد، السياق، الوهابية، بناء القبر، الزبارة، دراسة مقارنة.

نطاق حججیة العقل المصدر في تفسیر القرآن

مع التأکید على تفسیر مناهج البيان

محمود هادئ قادری کرمانی

انتشار مساعد فی قسم المعارف الإسلامیة بكلیة القانون و الادبیات بجامعة الشهید باهنر کرمان

هناک خلاف فی الرأی بین المدافعین ظن التفسیر الاجتهدی حوالی نطاق و دائرة حججیة العقل فی تفسیر القرآن. بما فی ذلك الاختلاف الموجود بین المفسرين التابعين لمدرسة الفضل والمعارضین لهم فی هذا الصدد. تقلل مدرسة الفصل على النظام المعرفي الذي يصر فی فصل القرآن والبرهان والعرفان (العقل والعقل والكشف)، ويعتقد أن هذی الثلاثة هی طرق ومصادر للمعرفة ولا علاقة لمنهجیة بعضها البعض على الإطلاق. ولا ينبغي الاستفادة من بینات كل مصدر من مصادر المعرفة هذی لفظی و تفسیر معطیات المصدرین الآخرين. فیننا فی هذی المقالة بشرح وجهات نظر آیة الله ملکی مبناجی في تفسیر مناهج البيان باعتباره واحد من المدافعین عن مدرسة الفصل فی خصوص نطاق حججیة العقل المصدر فی تفسیر الوحی. فی البداية تم توضیح المقصود من العقل وأنواع (العقل المصدر والعقل المصاحب)، وبناه على ذلك تم تقسم التفسیر الاجتهدی للقرآن إلى ثلاثة أنواع العقلی والنقالی والكشفی، ونظریا إلى أن العقل المصدر والكشفی والشهاده خارج عن عناوین المقالة تخصصا. لذلك واصلنا البحث حول نطاق العقل.
المصدر، وتناولنا دراسة أنواع التفسير الاجتهادی العقلائی، آئی البدئیات العقلیة، والبراهین العقلیة، والأسس الكلامیة والفلسفیة والعلمینه وإدراکات العقل العملی في مناهج الیان. وخلصنا إلى أن بعض النظر عن الأسس الفلسفیة والعلمینه، فإنّ الأنواع الأخرى للتفسير الاجتهادی العقلائی مطروحة في تفسیر مناهج الیان، لذلك من وجهة نظر آیة الله ملکی فإنّ نطاق حیثیة العقل المصدر في تفسیر القرآن تشمل جميع الأنواع المذكورة غير الأسس الفلسفیة والعلمینه. منهج البحث في هذه المقالة تحلیل توصیفی.

الكلمات الاساسیة: مدرسة الفصل، آیة الله ملکی مبانی، مناهج الیان، الحیثیة، العقل المصدر، التفسیر الاجتهادی.

دراسة نقدیة لرأی آیة الله معرفة حول التفسیر العرفانی

 رسول مزرئی

خزین الجهد الرابع في الحوزة العلمیة

قدم علماء علوم القرآن أراء مختلفة في باب التفسیر العرفانی. ومن هؤلاء العلماء، محمد هادی معرفة. بحسب رأیه فإنّ مستند تفسیر أهل المعرفة هو الذوق الشخصی، وتفاسیرهم من مقوله التفسیر بالرأی. كما أنّ المقصود من كلمة بطن الوردیة في الروایات هو الدلالة الالترامیة غير البيئة للكلام، وكذلك التفسیر العرفانی من باب تداعی المعانی.

فی المقال الذي بين أديتا وبعد جمع المعطیات بطريقة المکنیة، تمّ تقدیم رأیه هذا حول التأویل والتفسیر العرفانی بمنهج تحلیلی، وقد خلص المقال إلى النتیجة التالية: أولاً قسم من تفسیر العرفان هو شرح للمعانی الباطنیة للفقران، وقد استفادوا في تفسیر الآیات وتأویلها من الطرق المتداولة لفهم النص، ثانياً تأویل القرآن ليس دائمًا من باب الدلالة الالترامیة غير البيئة، لكنه غالبًا ما يكون بمغزی باطن کلام الوعی واجابان الجریء والتطبيق. ثالثاً: التفسیر العرفانی ليست من باب تداعی المعانی، بل هي إشارات وطائل تدخل قلوب أهل المعرفة بعد التلاوة الباطنیة للفقران، وتعتبر فهمًا جديدًا، وفي أغلب الحالات لا توجد خلفیات زهیة حولها حتى تعود من باب تداعی المعانی.

الكلمات الأساسيّة: التفسير العرفانی، محمد هادی معرفة، التفسیر بالرأی، التأویل، الدلالة الالترامیة غير البيئة، تداعی المعانی.
تحقیق من صحة نظریه الإعجاز النفسي للقرآن

مع التأكید على آراء أمين الخولی

سید محمود طبیب حسینی (استاد معاصر بحوث الحوزة ولجامعه)
سید إبراهیم مرتضوی (دکترای فی علوم القرآن والحديث)

"إعجاز القرآن" من المواضیع التي تناولها أستاذة علوم القرآن، وعن النظیرات التي تطرحها في هذا الصدد نظریة "الإعجاز النفسي". الدراسة الحالية هي نوع من البحوث المکتبة التي تناولت الإعجاز النفسي للقرآن بمنهج وصف - تحلیل من منظور الأدب المصری "أمين الخولی". من‌منظور الخویلی فإن الإعجاز النفسي يعتبر واحداً من وجهه الإعجاز الأدبي - البایان للقرآن، والمقصود منه أن القرآن وقيدت تربیة الإنسان وإصلاح المجتمع قد أخذ بعض الاعتبار في دعوته الروایات النفسیة للنفس البشریة. وعرفة القرآن العمیقة لدلل الروایات واعیازه. ومع ذلك، فإن نظریة الخویلی تواجه العديد من الإشكالات والغموض؛ أوّلها أن المقدمات التي وضعها لنظریته تتعارض مع بعضها البعض في بعض الجوانب والمکونات؛ ثانیاً أن أسس رأيه تتعارض مع بعض‌الضرویات الدينیة؛ ثالثاً أنه لم يشرح بعض المفاهیم الأساسية لنظریته، ورابعاً الأدلة على نظریته غير كاملة من حيث الكلمة والنوع.

الکلمات الأساسيه: القرآن، الإعجاز النفسي، الإعجاز الأدبي، أمین الخولی.

خصائص التفسیر العصري فی التفسیر الديری المعاصر

برویس حسین بور (طلابیة دکترای فی علوم القرآن وال الحديث بجامعة آزاد الإسلامیة آبادان)
سعود عباسی نیا (استاذ مساعد في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة آزاد الإسلامیة آبادان)
سید حسام الدین حسینی (استاذ مساعد في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة آزاد الإسلامیة آبادان)

يعتبر التفسیر المعاصر من أهم المنافع التفسیریة. حيث نشأ من تقديم رسائل القرآن بما يتناسب مع متطلبات العصر واحتیاجات المعاصرة. من القضايا التي يبدو من الضروری معالجتها والتطرق إليها هي دراسة خصائصه بکیال تفسیریة مختلفه. إن دراسة خصائص التفسیر المعاصر في قالب خاص أو في قالب تفسیر فترة زمنیة محددة.

www.SID.ir
يمكن أن يكون مفيدًا في فهم طبيعة هذا المنهج، كما يمكن أن يكون مؤثرًا في معرفة مكانة هذا المنهج ودوره وتأثيره. على الرغم من أهمية التطور إلى هذا الموضوع والمكانة الهامة لهذا المنهج في مجال التفسير، وخاصة التفسير المعاصر، إلا أن هذه المسألة لم يتم النظر فيها ولا حتى معالجتها إلى الآن. من هذا المنطلق تم البحث في هذه المقالة ومن خلال البحث في التفسير التراثي المعاصرة، الإجابة على هذا السؤال:
ما هي خصائص التفسير المعاصر في التفسير التراثي المعاصرة؟ بحسب نتائج البحث الذي تم إجراؤه باستخدام منهج تحليل المحتوى النوعي ودراسة المصادر التفسيرية المعاصرة، فإن التفسير المعاصر هو نهج يحاول فيه المفسر تفسير القرآن بما يتناسب مع احتياجات وشروط ومتطلبات عصره. ومن هنا وفِي الفترة المعاصرة تسبَّبت الدوافع والعلوم وتخصُّص المفسرين، ومتطلبات العصر واحتياجاته، والتغيرات الاجتماعية والسياسية والثقافية والمفاهيم والمناقشات الفكرية في هذه الفترة، إلى ظهور طابع خاص من التفسير العصرَّي في التفسير التراثي. حيث تتمتع بميزات وخصائص مثل: التأكيد على وحدة موضوع الآيات لكل سورة، تنظيم الآيات، تطوير مصادر الآيات، الإجابة على القضايا والشبهات حديثة الظهور والاهتمام بإقاع الجمهور.

الكلمات الأساسية: التفسير العصرَّي، الحداثة، التفسير التراثي، التفسير المعاصرة.